آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۱۰۲
سه‌شنبه
۱۴۰۰•۰۶•۱۶
۲۹ محرم ۱۴۴۳/ ۰۷ سپتامبر ۲۰۲۱

گزارش

روایت «آرمان ملی» از انتصاب‌های جدید رئیس جمهور:

آقای رئیسی! دولت سوم احمدی‌نژاد تشکیل دادید

بعد از انتخاب صولت مرتضوی به‌عنوان معاون اجرایی، فرهاد رهبر دستیار اقتصادی رئیس جمهور و صادق خلیلیان هم استاندار خوزستان شد

آرمان ملی- امید کاجیان: انتصابات دو روز اخیر سیدابراهیم رئیسی از نگاه خیلی‌ها مهر تاییدی بر همان مسیری است که دولت احمدی‌نژاد می‌رفت. رئیسی که قبل از این هم با انتخاب برخی وزرا خیلی‌ها را مایوس کرد به نحوی که برآوردها نشان می‌داد بیش از پنجاه درصد وزرای او از مدیران یا وزرای احمدی نژاد بودند و از همین رو نیز مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت اکنون بار دیگر نشان داده که کما فی‌السابق تصمیم دارد تا روی دیوار لااقل منتسبان به احمدی نژاد یادگاری بنویسد. احکام پیاپی او موجی از تردیدها درباره ادامه این روند را به همراه داشته است. یکی از این چهره‌ها سید صولت مرتضوی است. رئیسی وی را به سمت معاون اجرائی خود و البته سرپرست نهاد ریاست جمهوری برگزیده است این درحالی است که مرتضوی در دوران احمدی‌نژاد معاون سیاسی وزیر کشور آن هم در سال‌های ۸۸ به بعد بود. البته ناگفته نماند مرتضوی مدیرعامل سازمان اوقاف آستان قدس هم بوده و احتمالا رئیسی که پیش‌تر نیز از نزدیکان و دوستانش در آستان قدس و قوه قضائیه برای انتخاب برخی از سمت‌های خاص دولت خود استفاده کرده بود اینبار هم احتمالا به‌واسطه همین سابقه مرتضوی در آستان قدس وی را انتخاب کرده است. ادعا می‌شود که البته نام مرتضوی هم در لیست تحریمی‌های غرب بوده است. فرهاد رهبر یکی دیگر از مدیران دوران احمدی‌نژاد است که اکنون به سمت دستیار اقتصادی رئیس جمهور منصوب شده است. او رئیس دانشگاه تهران در دوران دولت‌های نهم و دهم بود البته که انتصاب وی به این سمت می‌تواند عرصه سیاسی و موقعیتی را بر مخبر معاون اول رئیسی هم تنگ‌تر کند. چراکه رئیس دولت سیزدهم بعد از حکم قابل تاملی که به محسن رضایی به‌عنوان معاون اقتصادی خود داد اکنون به سراغ یکی دیگر از چهره‌های مدعی رفته و رهبر را کنار مخبر گذاشته است. این در حالی است که بعد از انتصاب محسن رضایی به عنوان معاون اقتصادی بسیاری این مطلب را بیان کرده‌اند که این انتخاب باعث می‌شود تا این دو در ادامه راه به مشکل بربخورند و احتمالا رقابت بر سر جایگاه و اینکه چه کسی بیشتر از آن دیگری است مخبر را به حاشیه ببرد، حال آنکه انتخاب شخصی مثل رهبر هم بر این گمانه‌زنی‌ها می‌افزاید. رئیسی برای انتخاب استاندار خوزستان هم به سراغ یک مدیر دیگر در دولت‌های نهم و دهم رفته است. صادق خلیلیان. معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی و عضو شورای بیمه مرکزی کشور به عنوان نماینده این وزارتخانه در دولت نهم و نیز وزیر جهاد کشاورزی و عضو شورای پول و اعتبار در دولت دهم. خلیلیان البته خودش جزو نامنویسی کنندگان انتخابات ۱۴۰۰ بوده است. میثم لطیفی نام دیگری در میان انتصاب‌های اخیر رئیسی است. او معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور شد. می‌گویند لطیفی، از مهرماه ۹۵ رئیس دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق بوده است. او همچنین، سابقه مدیر مسئولی و عضویت هیأت تحریریه فصلنامه مدیریت جهادی را نیز در کارنامه خود دارد! اما انتخاب‌های دیروز نیز دراین زمینه بسیار بحث برانگیز بوده‌اند. در یک انتصاب، «اکبر نیکزاد»، برادر علی نیکزاد وزیر احمدی‌نژاد و نائب رئیس مجلس، رئیس بنیاد مسکن شد! وی، قبلا شهردار اردبیل بود. علی نیکزاد هم از روسای اصلی ستاد ابراهیم رئیسی در انتخابات بود. البته خیلی‌ها از شخص علی نیکزاد نیز به‌عنوان یکی از اعضای کابینه سخن به میان می‌آوردند اینکه او یا معاون اول دولت می‌شود یا با توجه به سابقه‌اش در وزارت راه و شهرسازی دولت احمدی‌نژاد وزیر راه. اما در نهایت علی نیکزاد در مجلس ماند و به جایش اکبر رئیس بنیاد مسکن شد. پیش از نیکزاد، محمدرضا تابش ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را به مدت ۱۶ سال بر عهده داشت که چندی پیش بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. اما اوج رسانه‌ای شدن این انتخاب‌ها، انتصاب مدیرعامل خبرگزاری دولت ایرنا بود. کاوه اشتهاردی. چهره معروف دولت‌های نهم و دهم در حوزه رسانه. مدیرعامل موسسه مطبوعاتی ایران در آن زمان و حامی‌ان آن وقت‌های احمدی نژاد. حالا «محمدمهدی اسماعیلی»، وزیر ارشاد در حکمی مدیرعامل جدید خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران را منصوب کرد. وی کاوه اشتهاردی را به‌عنوان مدیرعامل جدید ایرنا منصوب کرد. کاوه اشتهاردی، از جمله افراد رسانه‌ای نزدیک به سید ابراهیم رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰ بود. به صورت کلی انتصابات بازهم نشان از همان مسیر آشنای دولت‌های نهم و دهم داد. نکته اینکه امروز در کابینه رئیسی کسانی وزیر یا سمت‌های بالایی دارند که در دولت احمدی‌نژاد جزو مدیران می‌انی و رده پایین تراز وزارت بودند و این خود بر شگفت آور بودن این انتخاب‌ها صحه می‌گذارد. هرچند که برخی اقدامات مثل برخی سفرها و دیدارهای او را نیز با دوران وی مقایسه می‌کنند. هر چه هست اینکه بازهم مدیران احمدی‌نژادی در جلب حمایت رئیسی موفق عمل کردند و شاید هم باید از قبل چنین گمانه زنی‌هایی هم می‌شد. به هر حال بخشی از انتخاب‌های رئیسی همچنان حول مدیران سابق دولت‌های نهم و دهم، یاران و همراهانش در آستان قدس و قوه قضائیه می‌چرخد. همه این‌ها در حالی است که وقتی عده‌ای از حضور برخی چهره‌ها در ستاد انتخاباتی او هشدار داده و در مورد این نوع گرایش هشدار می‌دادند او اعلام می‌کرد که افراد در ستادهای من قرار نیست که نقشی در کابینه داشته باشند، و کابینه و مدیران دولت برآیند ستاد انتخاباتی من نیستند آنچه که مشخص است اینکه مدیران دولت‌های نهم و دهم در دولت سیزدهم دست بالا را در تصاحب صندلی‌های مدیریتی دارند.

«آرمان ملی» روایت می‌کند:

اتهام جدید گاندو سازان علیه ظریف

ظریف رفت، کریمی قدوسی فهمید، گاندو نفهمید

سود علی عسگری از اتهام به تیم وزارت خارجه چیست؟

آرمان ملی- مطهره شفیعی: محمدجواد ظریف در مقابل چشمان گاندوسازان اتاق وزارت را به حسین امیرعبداللهیان تحویل داد تا شاید از فشار بر تیم مذاکره کننده هسته‌ای کم شود اما انگار درد گاندوسازان بیش از مذاکره بود! حتی کریمی قدوسی نماینده دلواپس مجلس که سال ۹۹ گفته بود «برجام مُرد و بوی گند آن مردم را آزرده کرده و این مجلس انقلابی با قانون انقلابی خود آن را دفن کرد.» در اول شهریور سال جاری دیدگاهش را با رفتن ظریف تغییر داد و گفت: «اکنون متن مذاکره متن برجام است، همانی که در برجام آمده نه یک پاراگراف کمتر و یا بیشتر؛ این متن مذاکره است. همان که در برجام آمده و آقا قبول کردند و امضا شده، همان باید کامل اجرا شود.» اما ظاهرا گاندوسازان هنوز تمایل دارند کیسه خود را با هجمه به تیم مذاکره کننده پرتر کنند.

کریمی قدوسی فهمید، گاندوسازان نفهمیدند

نکته قابل تامل آنجاست که اهداف واقعی گاندوسازان خیلی زود عیان شد. آنها در شرایطی که دیگر ظریف در صدر وزارت خارجه نیست، سعی دارند در اذهان چنین وانمود کنند که اعضای تیم مذاکره خائن بودند، به عنوان نمونه دیروز مشرق با تیتر «ماجرای حمایت مشکوک چند عضو وزارت خارجه از جاسوس پوششی» مدعی شد: «مرداد سال ۱۳۹۵ در اوج تهدیدات تروریستی داعش؛ در نزدیکی نقطه مرزی در شهرستان سقز، یک خودرو پاجیرو با پلاک سیاسی متوقف می‌شود. مأموران سازمان اطلاعات سپاه دو سرنشین این خودرو را پیاده می‌کنند. هر دو نفر تابعیت خارجی داشته و ساعتی قبل مشغول گشت‌زنی در اطراف پادگان‌های نظامی بوده‌اند. مسئول تیم امنیتی از این دو چهره مرموز می‌خواهد از خودرو پیاده شوند و مدارک شناسایی خود را تحویل بدهند. در مدارک به‌دست‌آمده یکی از آنها نوشته شده است: شارلوت لوپز وارنر واله «دبیر دوم سفارت علیاحضرت ملکه بریتانیا در تهران» و روی کارت دیگری نام سباستین سورن رایزن سفارت فرانسه حک شده است. نکته عجیب در کارت صادر شده برای جاسوس انگلیسی استفاده از عنوانی موهوم است، به‌گونه‌ای که حاکمیت ایران را در سطح یک مستعمره پایین آورده است، گویی هنوز تفکر قاجاری در رگ و پی برخی مسئولان جاری و زنده است! مسأله جاسوسی عوامل سفارت انگلیس در تهران اقدامی عجیب نیست، آنها از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی کارگروه ویژه برای رصد و جاسوسی در باغ سفارتخانه تشکیل داده‌اند. نورمن داربی‌شر جاسوس معروف سازمان امنیت انگلیس (MI۶) درباره تاریخچه نفوذ مأموران این کشور در یک فایل صوتی که اخیرا به‌دست‌آمده می‌گوید: «در ایران تا زمانی که مردم متوجه حضور ما نشوند کار ما ادامه دارد؛ ما آنقدر در تهران نفوذ داشتیم که به‌راحتی توانستم افشار طوس را به قتل برسانیم». با بازداشت نفر دوم سفارت انگلیس در تهران هیمنه امنیتی ملکه در تهران شکسته شد، اما سؤال مهم آن است که در وزارت خارجه ظریف چه اتفاقاتی روی‌داده است که معاون دست راستی وزیر خارجه به صحنه آمده و با برگزاری نشست خبری سعی می‌کند رد پای آنها را پاک کند؟ آیا فراری دادن چند جاسوس هم جزئی از توافق‌نامه برجام بوده که مسئولان وقت وزارت خارجه روی آن تعصب ویژه به خرج داده‌اند؟ دوران ظریف در ایران به پایان رسید؛ اما این معما هنوز ابعاد سربسته فراوانی دارد؛ اگر وزارت خارجه می‌تواند با استفاده از بندهای کنوانسیون وین زمینه عادی‌سازی دو جاسوس در مرز ایران را با عنوان «مصونیت دیپلماتیک» به رسانه‌ها تحمیل کند، چرا از همین عبارت برای آزاد کردن دیپلمات مظلوم کشورمان اسدا... اسدی استفاده نکرد؟ عباس موسوی سخنگوی وقت وزارت امور خارجه در پاسخ به خبرنگاران به‌جای تلاش برای استفاده از بندهای کنوانسیون وین از مسئولیت شانه خالی کرده و عنوان کرد: «برای او وکیل خواهیم گرفت». این سخنان چراغ سبز وزارت خارجه به دیپلمات دزدی صهیونیست‌ها در روز روشن بود!»

افتخار صداوسیما به گاندو!

حمایت رئیس سازمان صداوسیما از گاندوسازان هم دلگرمی خاصی به آنها داده است. به هر حال علی عسگری بارها نشان داد از هجمه به ظریف و تیم او نه تنها ناراضی نیست بلکه از این رویه استقبال هم می‌کند مانند ۱۴ شهریور که در مراسم تقدیر از گاندوسازان با قدردانی از عوامل ساخت و پخش این سریال امنیتی – اطلاعاتی، کارگردانی و فیلمنامه این اثر را قوی توصیف کرد و بخشی از این قوت را ناشی از سوژه‌ای دانست که سپاه با رسانه ملی در میان گذاشت و از تحقیق برای نگارش متن فیلمنامه حمایت کرد. علی عسگری با بیان دشواری‌های سریال‌سازی درباره موضوعات تاریخ معاصر، گریزی به برخی دشواری‌ها در ساخت و پخش سریال «گاندو ۲» زد و با اشاره به برخی تلاش‌ها برای جلوگیری از پخش آن تصریح کرد: با توجه به اینکه «گاندو ۲» کار فاخر، ارزشمند، جدید و شجاعانه‌ای بود، باید پایش می‌ایستادیم؛ به لطف الهی کار موفقی هم در تاریخ سریال‌سازی و سینمایی ایران شد و بنیان جدیدی ایجاد کرد. رئیس رسانه ملی ادامه داد: این سریال به خوبی نشان داد که دشمن چگونه برای اینکه افکار مدیران را تغییر دهد، بر ادراک آن‌ها اثر می‌گذارد و در میان آنها نفوذ و تفکرات آنها را دستکاری کند و برای رسیدن به اهدافش هزینه‌های بسیاری انجام می‌دهد. علی عسکری تاکید کرد: ویژگی بارز این سریال رعایت مثلث طلایی جهت، محتوا و جاذبه بود؛ به‌طوری که هم هدف‌گذاری درستی داشت، هم محتوای آن غنی بود و هم جاذبه نمایشی داشت. رئیس سازمان صداوسیما با اشاره به برخی فشارهای سیاسی به‌دلیل پخش سریال گاندو گفت: من سعی کردم به عنوان مدیر ارشد سازمان کمترین این فشارها به مدیران زیرمجموعه عوامل سریال منتقل شود و می‌توانم به جرات بگویم نسیمی از یک توفان بزرگ برخی اوقات به شما منتقل می‌شد. علی عسکری افزود: اگر داستان‌های خود را از پشت صحنه سیاسی پخش این سریال بگویم قطعا برای خودش سریال گاندویی خواهد شد.

یک نماینده: مهدی هاشمی چند روز به مرخصی رفته؟

مشکل کشور خلاصه در تعداد روزهای مرخصی زندانیان!

هاشمی نیمی از محکومیتش را گذرانده و می‌تواند عفو شود

آرمان ملی- یاسمین طالقانی: ظاهرا داستان مهدی هاشمی برای برخی نمایندگان مجلس به سوژه خوبی برای خودنمایی تبدیل شده است. او که بیش از ۵ سال از دوران محکومیت ۱۰ ساله خود را سپری کرده، تحت شرایطی می‌تواند از آزادی مشروط بهره‌مند شود. برخی از آنها بدون اطلاع از وضعیت پرونده به اظهارنظر غیرکارشناسی می‌پردازند و مدعی می‌شوند که او به مرخصی بدون بازگشت رفته است. زمانی هم که مهدی به زندان باز می‌گردد، ادعای دیگری مطرح می‌شود مانند دیروز که عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با اشاره به انتشار برخی اخبار مبنی بر اعطای مرخصی ویژه به مهدی هاشمی از زندان اوین اظهار داشت: همه انسان‌ها در برابر قانون برابر هستند و هر کسی مسئولیتش سنگین‌تر و بالاتر باشد اگر جرمی مرتکب شود باید مجازات آن هم سنگین‌تر باشد. وی افزود: امروز می‌شنویم برخی افراد که پیش‌تر مناصبی را در کشور داشتند و هم‌اکنون به دلیل ارتکاب برخی جرائم دوران حبس خود را در زندان سپری می‌کنند از مرخصی‌های خاص استفاده می‌کنند اما متأسفانه زندانیانی که به جایی وصل نبوده و پارتی خاصی ندارند و سابقه مدیریتی ویژه‌ای هم ندارند، همچنان در زندان به سر برده و از امکان استفاده از امتیازهای خاص محرومند. حسن همتی تصریح کرد: انتظار ما از سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه آن است که به همه محکومان و زندانیان به یک چشم نگاه کنند و کسانی که برای مثال مسئولیتی داشته و یا پسر یا دختر مسئول بوده‌اند نتوانند راهی برای گریز از مجازات داشته باشند، چراکه آنها بایستی در پیشگاه ملت و در برابر عدالت پاسخگو باشند. وی گفت: در اذهان و افکار عمومی سؤالی وجود دارد که قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها باید به آن پاسخ دهند که مهدی هاشمی و حسین فریدون تاکنون چند روز از دوران حبس خود را سپری کرده و چند روز مرخصی بوده و به چه دلایلی مرخصی گرفته‌اند؛ عدالت می‌طلبد چنین چیزی شفاف‌سازی شود چرا که پذیرفتنی نیست مهدی هاشمی از پایان سال گذشته از زندان مرخصی گرفته باشد اما پس از پایان مرخصی، مراجعه نکرده باشد و شاید اگر عدم مراجعه او به زندان رسانه‌ای نمی‌شد و اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از زندان اوین بازدید نمی‌کردند، اصلا او خود را به زندان معرفی نمی‌کرد. همتی افزود: اگر یک زندانی عادی در حبس بود و به دلیل پایان دوران مرخصی‌اش به زندان مراجعه نمی‌کرد برخوردها با او هم به همین منوال بود؟ تبعیض بین افراد پذیرفتنی نیست. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خاطرنشان کرد: باید سازمان زندان‌ها به عدالت رفتار کرده و از رفتارهای شائبه‌برانگیز و تبعیض‌وار ممانعت کند چرا که طبق شعائر دینی ما، عدالت اولویت اساسی جمهوری اسلامی است و برخورد با زندانیان طبق مُرّ قانون اولویت اساسی است، چراکه جامعه نباید احساس نابرابری کند.

ماجرا چه بود

ادعای مرخصی طولانی مدت مهدی هاشمی از روزی مطرح شد که برخی اعضای کمیسیون اصل ۹۰ به بازدید از زندان اوین پرداختند و پس از آن بود که علی خضریان سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در صفحه شخصی اینستاگرام خود نوشت: «پیگیر اجرای عدالت؛ در حاشیه بازدید از زندان اوین مطلع شدم جناب مهدی هاشمی از اسفندماه سال گذشته و بدون تعیین سقف زمانی به مرخصی رفته است؛ از نماینده دادستان علت را جویا شدم و مقرر شد به‌سرعت رسیدگی و به کمیسیون اصل ۹۰ گزارش شود.» این توئیت چنان مورد سوءاستفاده دلواپسان قرار گرفت که مرکز رسانه قوه قضائیه از صدور حکم جلب مهدی هاشمی به دلیل عدم بازگشت او از مرخصی به زندان خبر داد و چنین تشریح کرد: «در پی اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در روزهای اخیر مبنی بر «اعطای مرخصی بدون سقف زمانی» به مهدی هاشمی، به اطلاع می‌رساند، هیچ‌گونه مرخصی بی‌وجهی به نامبرده اعطا نشده است و محکوم‌علیه، طبق قانون برای مدت مشخصی به مرخصی اعزام شده بود، ولی مدتی است در غیبت به سر می‌برد. متاسفانه نامبرده پس از پایان زمان مرخصی، از مراجعت به زندان خودداری و غیبت کرده است؛ اخطار قانونی لازم به وی داده شده و چون به زندان بازنگشته بر همین اساس حکم جلب این محکوم صادر شده است.» ابوالمعالی، وکیل مهدی هاشمی در واکنش به ادعای منتشر شده درباره عدم بازگشت موکلش به زندان اعلام کرد که برخلاف ادعای مطرح شده، هیچ اخطاری مبنی بر لزوم بازگشت ایشان به زندان ابلاغ نشده است. او ادامه داد: ایشان در حال گذراندن مرخصی اعطایی تمدیدی هستند. در هر صورت، به جهت انعکاس ادعای منتشره، آقای هاشمی خود را به زندان معرفی خواهند کرد. مهدی به زندان بازگشت تا روسیاهی به دلواپسان بماند. فاطمه هاشمی با اشاره به حکم جلبی که برای مهدی هاشمی صادر شده است گفت: این موضوع صحت ندارد؛ نه به مهدی گفته شده بود و نه از او خواسته بودند که به زندان بازگردد بلکه چندین مرتبه مرخصی او تمدید شده بود. هاشمی ادامه داد: معمولا رسم به این گونه بوده است که هرگاه می‌خواستند می‌گفتند که مهدی به زندان بازگردد، اما به دلیل شیوع بیشتر کرونا برای بازگشت به زندان به مهدی زنگ نزدند و روز گذشته به یک باره ما این خبر را شنیدیم. وی تصریح کرد: اگر می‌گفتند مهدی خود به زندان باز می‌گشت، زیرا او پس از شنیدن این اخبار خود به زندان بازگشت. رئیس سازمان زندان‌ها هم گفت که مهدی هاشمی مرخصی بدون سقف نداشته و غیبت او چندی قبل به دادستانی اعلام شده است.

رئیسی تکلیف مذاکره را مشخص کرد

عضو ارشد حزب موتلفه با اشاره به سخنان رئیسی در مورد مذاکره تصریح کرد: یکی از نکات مهم سخنان آقای رئیسی مربوط به تعیین تکلیف مذاکره و ارتباط با آمریکا و... بود که ایشان با صراحت تکلیف را براساس همان رهنمودی که مقام معظم رهبری دادند مشخص کردند و تاکید کردند که در مورد مذاکره، اگر قرار باشد با اهدافی که آمریکایی‌ها دارند دنبال می‌کنند، دنبال شود برای مردم هیچ نفعی ندارد. بنابراین طبیعی است که مذاکره را ولو برای مذاکره انجام نخواهیم داد چراکه در مذاکره باید منافع مردم حتما لحاظ شود. حمید رضا ترقی افزود: وقتی ملاک مذاکره، منافع مردم است طبیعتا باید دید که آیا آمریکایی‌ها در راستای تامین منافع مردم ما و انجام تعهداتشان اقدام خواهند کرد. بنابراین از کنار مذاکره، این گونه گذشتن و ردشدن که برای غربی‌ها مسئله بسیار مهمی است نشان می‌دهد که دولت نمی‌خواهد هیچ کدام از مسائل کشور را به مذاکره متصل کند.

اصلاح‌طلبان قهر نمی‌کنند

یک چهره سیاسی اصلاح‌طلب اظهار کرد: من قائل به این نیستم که اصلاح‌طلبان واقعی قهر خواهند کرد و همچنان که زمانی که در قدرت بودند و بودیم به طور طبیعی نبایستی دچار غرور و خودشیفتگی می شدیم امروز که به هر دلیلی، شرایط تغییر کرده است تحمل این شرایط به نظر من نشان دهنده این است که می تواند کمک کند به پختگی جریان اصلاحات. حسن رسولی درباره وضعیت اصلاح‌طلبان اظهار کرد: یک دست شدن ارکان سه گانه اداره کشور و عدم حضور احدی از اصلاح‌طلبان در مناصب اجرائی واقعیت جامعه سیاسی امروز ایران است. صرفنظر از علل و عوامل تسهیل کننده این شرایط تا اطلاع ثانوی امکان تاثیرگذاری واقع بینانه اصلاح‌طلبان در اتخاذ تصمیمات رسمی حاکمیتی به دلیل عدم حضور هیچ کدام از اشخاص حقیقی و حقوقی اصلاح‌طلب در مراجع عالی تصمیم گیری فراهم نیست و طبعا در چنین شرایطی چون اصلاح‌طلبان صاحب اختیار نیستند، مسئولیت پاسخگویی هم از آنها سلب شده است.

گفتمان اعتدال را در ایران مبتذل کردند

استاد دانشگاه گفت: توازن خودش یکی از معانی عدل است اما در ایران متاسفانه گفتمان اعتدال را مبتذل کردند وگرنه اعتدال لیبرال با اعتدال اسلامی تفاوت زیادی دارد.، جلال دهقانی فیروزآبادی در نشست گفتمان دولت سیزدهم اظهار کرد: عدالت در هر گفتمانی یک معنا دارد و ما هم باید عدالت را در گفتمان خودمان تعریف کنیم، ضمن اینکه گفتمان‌ها باید معتبر باشند، شناخته‌شده باشند و باید قدرت برجسته‌سازی نقاط قوت خود و طرد گفتمان‌های دیگر را داشته باشد. وی افزود: نسبت بین عدالت و عقلانیت را باید در نظر داشته باشیم چرا که عدالت انواع مختلف دارد و در یک منظومه باید آن را تعریف کنیم، همچنان که عقلانیت هم همین است و انواع گوناگونی دارد. این استاد دانشگاه ادامه داد: نسبت بین عدالت، عقلانیت، توازن و تعادل را مشخص کنیم. در تعریفی که امام علی(ع) از عدالت دارند، عاقل و عادل را عیناً یکسان تعریف می‌کنند که یعنی یک رابطه این همانی میان‌شان وجود دارد.

گفت و گو

داود آقایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قدرت گرفتن طالبان ژئوپلتیک منطقه را تغییر می‌دهد

ایران در مورد افغانستان رویه خود را تغییر نمی‌دهد

ایران منافعی در به قدرت رسیدن طالبان دارد!

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: افغانستان به عنوان کشوری که در جنوب آسیا و در میانه تنش‌های غرب آسیا، در سال‌های اخیر به عنوان سرزمینی پرتنش شناخته می‌شود، این روزها نخستین ایام حکومت طالبان بر خود را تجربه می‌کند. طالبانی که از ترکیه، چین، روسیه، ایران، پاکستان و قطر برای مشارکت در مراسم روز اعلام دولت جدید افغانستان دعوت کرده است. تاکنون نامی از اعضای کابینه دولت جدید افغانستان که طالبان وعده داده است یک دولت فراگیر خواهد بود، به شکل رسمی منتشر نشده و تنها حدس و گمان‌هایی در رسانه‌ها منتشر شده است. مقامات ایران نیز تاکنون به ادعای یک عضو طالبان درباره دعوت از ایران برای شرکت در این مراسم واکنشی نداشته‌اند اما ایران پیشتر بارها تاکید کرده است که تنها از یک دولت فراگیر با مشارکت همه اقوام و گروه‌های افغانستانی، حمایت خواهد کرد. اتفاقی که به‌زعم بسیاری از تحلیلگران بعید است رقم بخورد و باید منتظر تاثیر غیر قابل کنترل طالبان بر ژئوپلتیک منطقه به‌خصوص همسایگانش باشیم. اتفاقی که دیر یا زود تاثیرات آن در مرزهای شرقی ایران نیز احساس می‌شود. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت‌وگویی با داود آقایی، تحلیلگر ارشد روابط بین الملل داشته است که در ادامه می‌خوانید.

به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، در میان مدت چگونه می‌تواند بر ژئوپلتیک منطقه تاثیر گذارد؟

طالبان که امروز قدرت را در افغانستان به دست گرفته است، هر چند که مدعی است در راستای رعایت حقوق بشر و رعایت حال تمامی اقشار این کشور، تغییر رفتار داده است اما با نگاهی جزئی تر متوجه خواهیم شد که طالبان همان طالبان سال ۱۹۹۵ است که قدرت را در دست گرفت و به همان میزان نقض حقوق بشر را در این روزها مرتکب شد و نشان داد که همچنان به قواعد بین الملل پایبند نیست. طالبان در آن سال‌ها قساوت قلب زیادی از خود نسبت به فرهنگ و آثار باستانی افغانستان نشان داد و حتی دیپلمات های ایرانی را نیز از بی‌رحمی خود بی‌نصیب نگذاشت. باید این مقوله را پذیرفت که طالبان نسبت به ۲۰ سال پیش باتجربه تر شده است و درس‌هایی را از سیاست آموخته است که مشخصا بر رویکرد آنها تاثیر خواهد گذاشت. آنچه که قطعی است، طالبان پایبند به معیارها و هنجارهایی است که با انتظارات امروز جامعه بین‌المللی فاصله دارد. طالبان امروز به دنبال این است که برای رسانه‌ها، شهروندان و زنان محدودیت‌هایی ایجاد کند که مورد پذیرش جامعه بین‌المللی نیست. طالبان ناگزیر مجبور است از دستگاه تبلیغاتی خود استفاده کند و بگوید گروهی از حکمرانان لایق و شایسته هستند که مقید به قواعد بین الملل هستند. مشخصا نمی‌توان این تبلیغات را پذیرفت و بزودی بسیاری از شاخص‌ها تغییر خواهد کرد و بزودی شاهد رفتاری کاملا متفاوت از طالبان خواهیم بود و مشخص می‌شود که آنها صرفا شعار داده‌اند. این تغییر رفتار بر همسایگان نیز تاثیر می‌گذارد و خاک افغانستان به پایگاهی برای گروه‌های تندرو همچون القاعده بدل خواهد شد. این اتفاق سبب می‌شود تا تغییراتی در ژئوپلتیک منطقه به‌وجود آید و بار دیگر افغانستان دستخوش تحولات جدی شود. افغانستان به پایگاهی برای گروه‌های رادیکال سنی مذهب بدل خواهد شد و این گردهمایی خطرناک سبب می‌شود تا برخی کشورهای سودجو از این عرصه علیه ایران و برخی کشورهای دیگر استفاده کنند.

سرانجام درگیری‌های داخلی در افغانستان به کجا خواهد رسید؟

پیش بینی می‌شود که در داخل افغانستان وضعیت بهتر نخواهد شد و به نظر می‌رسد که گروه‌هایی علاوه بر این گروه‌ها که در پنجشیر به پا خواسته‌اند، دست به مقاومت علیه طالبان خواهند زد. این احتمال بسیار جدی است که گروه‌های دیگر نیز به مقاومت ملی افغانستان پیوسته و بیش از این طالبان را تحت فشار قرار دهند. امروز در افغانستان، زنان دیگر ساکت نخواهند نشست و به قیام علیه طالبان می پیوندند. افغانستان در آینده نزدیک به کانون ناآرامی در منطقه بدل خواهد شد و این ناآرامی‌ها به کشورهای همسایه نیز سرایت می‌کند. امروز صرفا امنیت افغانستان نیست که به خطر افتاده است بلکه امنیت کل منطقه به‌واسطه به قدرت رسیدن طالبان، مخدوش شده است. به قدرت رسیدن طالبان یک اتفاق خارج از چارچوب در منطقه بود و بزودی این اتفاق تاثیرات منفی خود را بر منطقه خواهد گذاشت.

موضع گیری روز گذشته وزارت خارجه ایران در قبال اتفاقات پنجشیر، رویه مناسبی است که ایران در پیش گرفته یا باید در آن تغییراتی ایجاد کند؟

علیرغم اینکه باید پذیرفت که ایران رفتار منفعلانه‌ای نسبت به آنچه در افغانستان می‌گذرد از خود نشان می‌دهد، در راستای این است که منافع خود را بدست آورند و منافع ملی ایران را شاید در این دیده‌اند که باید نسبت به قدرت رسیدن طالبان نباید واکنش نشان داد اما باید توجه داشت که این امر تبعاتی دارد. رویه ایران به نظر می‌رسد در آینده نیز به همین شکل خواهد بود و تغییری در سیاست ایران نسبت به آنچه که در افغانستان رخ می‌دهد، ایجاد نخواهد شد و شاید همچون روز گذشته صرفا در صحبت حملات طالبان محکوم شود. ایران انتظار دارد که رابطه ای نسبتا صمیمی با حاکمان جدید افغانستان داشته باشد. اگر به وضوح طالبان اقداماتی خشن‌تر از خود نشان داد و یا در ادامه پاکستان به صورت عملیاتی‌تر علیه مقاومت در پنجشیر عمل کند و در آن محل کشتار به راه اندازد، ایران باز هم تغییر رویه نخواهد داد و درافغانستان مداخله نمی‌کند. صدور بیانیه و محکومیت کردن صرفا در دستور کار مقامات ایران است. این رویه در خصوص سایر کشورها نیز دیده شده است و مشاهده کرده‌ایم که ایران به جز یک یا دو مورد در تنش‌های سایر کشورهای همسایه مداخله نکرده است و این سیاستی است که به نظر می‌رسد صرفا در خصوص افغانستان نباشد و در قبال کشورهای دیگر نیز در پیش گرفته شده باشد.